

## هوش اخلاقی و پنج عامل بزرگ شخصیت در دانش‌آموزان دختر

محسن گل محمدیان<sup>۱\*</sup>، خدامراد مومنی<sup>۲</sup><sup>۱</sup> گروه راهنمایی و مشاوره، دانشگاه رازی کرمانشاه<sup>۲</sup> گروه روانشناسی، دانشگاه رازی کرمانشاه

## چکیده

گرایش روز افزونی نسبت به مرتبط ساختن مشکلات اجتماعی به آموزش اخلاق و ارزش‌های اجتماعی-دینی در محیط‌های خانوادگی و آموزشی وجود دارد. هدف از پژوهش حاضر، شناسایی رابطه ویژگی‌های شخصیتی (پنج عامل بزرگ شامل بی‌ثباتی هیجانی، برون‌گرایی، باز بودن به تجربه‌ها، توافق و وجدانی بودن) با هوش اخلاقی بود. تعداد ۱۱۴ نفر به عنوان نمونه از میان دانش‌آموزان دختر دبیرستانی شهر کرمانشاه با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل هوش اخلاقی لنینک و کیل و پرسشنامه پنج‌عاملی شخصیتی بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین متغیر شخصیتی بی‌ثباتی هیجانی و هوش اخلاقی همبستگی منفی معنادار وجود دارد. و متغیر وظیفه‌شناسی، توافق و وجدانی بودن با هوش اخلاقی رابطه مثبت و معنادار داشت و متغیرهای بی‌ثباتی هیجانی، وظیفه‌شناسی، توافق و وجدانی بودن پیش‌بینی‌کننده‌های خوبی برای هوش اخلاقی بودند. نتایج پژوهش نقش و اهمیت ویژگی‌های شخصیتی در پیش‌بینی هوش اخلاقی را متذکر می‌سازد.

**کلیدواژه‌ها:** ویژگی‌های شخصیتی؛ هوش اخلاقی؛ دانش‌آموزان دختر

## مقدمه

هوش اخلاقی توان تشخیص درست از نادرست است، یعنی داشتن اعتقادات اخلاقی محکم و عمل کردن طبق آن‌ها به گونه‌ای که شخص رفتاری درست و محترمانه داشته باشد. تقویت هوش اخلاقی کودکان بهترین فرصت برای قرار دادن آنها در مسیر درست است تا بتوانند علاوه بر درست فکر کردن درست هم عمل کنند. علاوه بر این، پرورش ویژگی‌های شخصیتی استوار نیز در گرو تقویت هوش اخلاقی است. این قابلیت عالی ویژگی‌های مهمی را شامل می‌شود که از جمله آنها می‌توان به مهارت و سوسه‌ها، همدلی، پذیرفتن گزینه‌های غیراخلاقی، مبارزه با بی‌عدالتی، رفتار محترمانه و ناشی از درک با دیگران اشاره کرد. این ویژگی‌ها زیربنای شخصیتی باثبات و توانمند است، بروز نارسایی‌هایی در رشد اخلاقی ممکن است در سطح استدلال اخلاقی ارائه‌شده از جانب فرد تأثیر بگذارد. یکی از مهم‌ترین عوامل بروز این نارسایی‌ها، زمینه و بافت اخلاقی است که می‌تواند به علت بروز ناهنجاری‌هایی، چون اختلال سلوک در کودکان و نوجوانان به وجود آید و مانع تکامل ارزش‌های اخلاقی و همچنین بروز رفتارهای اخلاقی در آنان شود (یوربا، ۱۳۹۰). هوش اخلاقی، نسبت به هوش‌های اجتماعی-شناختی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. ولی ظرفیت بالایی برای بهبود درک ما از رفتار و یادگیری دارد. هوش اخلاقی اشاره به توانایی برای کاربرد اصول اخلاقی در مورد اهداف شخصی، ارزش‌ها و اعمال دارد. این سازه متشکل از چهار شایستگی مرتبط با یکپارچگی، سه مورد مسئولیت‌پذیری، دو مورد بخشودگی و یک مورد مهربانی است (کلارکن، ۲۰۰۹). در حوزه هوش اخلاقی و مولفه‌های آن پیشینه پژوهشی محدودی به چشم می‌خورد. در همین راستا مؤدگان و نجفی (۱۳۹۰) این نتیجه دست یافتند که بین آموزه‌های دینی با پرورش هوش اخلاقی کودکان همبستگی مثبت معنی داری وجود دارد. همچنین سیادت، مختاری پور و کاظمی (۱۳۸۸)، در تحقیقی نشان دادند که بین مؤلفه‌های هوش اخلاقی مدیران آموزشی و غیر آموزشی و رهبری تیمی رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد. پاشا و گودرزبان (۱۳۸۹)، نیز در دریافتند بین سبک هویت پیشرفته، مهلت خواه و رشد اخلاق با مسئولیت‌پذیری دانشجویان رابطه مثبت وجود دارد. اکرمی (۱۳۷۱)، نیز در مطالعه خود به این نتیجه رسید که بین قضاوت اخلاقی کودکان و نوجوانان بزهکار و عادی تفاوت معنی دار وجود دارد و کودکان و نوجوانان عادی از لحاظ درک اخلاقی در سطوح رشد یافته تری از مراحل کلبرگ قرار دارند.

از جمله نظریه‌هایی که تأثیر بسیاری بر تحقیق در شخصیت دارد، نظریه صفات است. در این دیدگاه شخصیت به اجزایی که صفات نامیده می‌شود تقسیم می‌شود و تلاش می‌کنند که رفتار شخص را با اندازه‌گیری صفات پیش‌بینی کند. در روان‌شناسی، پنج ویژگی اساسی شخصیت، پنج عامل یا بُعد گسترده شخصیت است که از طریق تحلیل واژگانی توسعه یافته است. این تحلیل منطقی و آماری لغات مربوط به شخصیت است که از واژه‌نامه زبان بدست آمده است (گلدبرگ، ۱۹۹۳). از این ویژگی همچنین با عنوان «مدل پنج عاملی» (FFM) نیز یاد می‌شود. با وجود مناقشات بر سر این عامل‌ها، این مدل در مطالعات گوناگون در کشورها، فرهنگ‌ها، سن‌ها و جنسیت‌ها ی مختلف مورد استفاده قرار گرفته است (حق‌شناس، ۱۳۸۵). الگوی پنج‌عاملی شخصیت (NEO-FFI) برای ارزیابی سریع پنج عامل اصلی (بی‌ثباتی هیجانی، برون‌گرایی، باز بودن به تجربه‌ها، توافق و وجدانی بودن) طراحی شده است (کاستا و مک‌گری، ۱۹۹۱؛ کاستا و مک‌گری، ۱۹۹۲؛ به نقل از ماسر و همکاران، ۲۰۰۷).

قهرمانی (۲۰۱۲)، در پژوهشی تحت عنوان بررسی اخلاق کاری مدیران در بخش‌های آموزشی آذربایجان غربی دریافت عوامل شخصیتی، موقعیتی-اجتماعی، سازمانی و ایدئولوژیکی بر اخلاق کاری کارکنان موثر است. مولت و همکاران (۲۰۰۵)، در نتایج پژوهش خود گزارش دادند که بین بخشش دیگران (از مولفه‌های هوش اخلاقی) و توافق‌پذیری، رابطه مثبت و بین بخشش دیگران و روان‌رنجورخویی، رابطه منفی وجود داشت. همچنین خشم و به‌دنبال آن نشخوار ذهنی و خودشیفتگی، همبستگی منفی با بخشش دیگران داشتند. همبستگی بین بخشش دیگران و برون‌گرایی عمدتاً مثبت است؛ اگرچه شدت این همبستگی از شدت همبستگی توافق‌پذیری و روان‌رنجوری با بخشش دیگران کمتر است. بین بخشش خود و روان‌رنجورخویی، همبستگی منفی و بین بخشش خود و برون‌گرایی، همبستگی مثبت، اما ضعیف وجود دارد. بین

\* e-mail: mgolmohammadian@gmail.com

توافق‌پذیری، گشودگی به تجربه و وظیفه‌شناسی با بخشش خود نیز ارتباط ناهمگونی یافت شده است. افراد توافق‌پذیرتر و به‌لحاظ هیجانی باثبات‌تر (یعنی روان‌رنجورخوبی پایین) خشم و تنفر مداوم کمتری را تجربه می‌کنند، تمایل بیشتری به بخشش دارند، زیرا دریافته‌اند که بخشش مکانیسم مناسبی برای حفظ روابط است (نتو، ۲۰۰۷). افراد با وظیفه‌شناسی بالا، افرادی باراده قوی، باهدف، دقیق، آینده مدار و بانگیزه در رسیدن به اهداف هستند (کاستا و مک کری، ۱۹۹۲؛ دیگمن و اینوی، ۱۹۸۶). افراد با وظیفه‌شناسی پایین به‌صورت افرادی سست در تلاش برای رسیدن به هدف و تا حدودی خوش‌گذران هستند (ویلیام و جانسون، ۲۰۰۵). ویندسور (۱۹۹۹)، نیز گزارش داد که بزرگسالان شاغل، مهارت‌های استدلال اخلاقی متفاوتی در مقایسه با دانشجویان نوآموز و تازه کار دارند. عواملی مانند سن و تعداد سال‌های کار حرفه‌ای و سطح تحصیلات به نظر می‌رسد با درون‌سازی اصول اخلاقی مرتبط هستند و تصمیم‌گیری‌های اخلاقی در سطوح بالاتر استدلال را هدایت می‌کنند. همچنان کریستال (۲۰۰۲) عنوان می‌کند که رشد اخلاقی صحیح نیازمند کیش مذهبی، اطلاعات معنوی و آزمون مجدد است.

در کل نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که کمبود و نارسایی‌ها در زمینه‌های تربیتی، اخلاقی، معنوی و آموزشی و همانندسازی‌های غلط با خانواده و همسالان از زمینه‌های مهم و مؤثر گرایش نوجوانان به رفتارهای خلاف قانون، عدم مسؤلیت‌پذیری و گرایش به بزه است (بیابانگرد، ۱۳۸۱). از طرفی پیامبران نیز بر رفتار و اندیشه‌های اخلاقی تأکید کرده‌اند. رسول اکرم (ص) فرموده‌اند: "من برای تکمیل اصول اخلاقی و فضیلت برانگیخته شدم". علمای اخلاق هم در همه مکاتب، طیب روح انسان را اخلاق اصیل می‌دانند (شعاری نژاد، ۱۳۸۱). ویژگی‌های شخصیتی نیز نقش انکارناپذیری در رفتار و زندگی افراد دارند. از طرفی شناخت متغیرهای همبسته با هوش اخلاقی به عنوان موضوعی جدید در حوزه پژوهش ضروری به نظر می‌رسد. لذا با توجه به اهمیت هوش اخلاقی، پژوهش حاضر به این سؤال پرداخت که آیا بر اساس ویژگی‌های شخصیتی می‌توان سطح هوش اخلاقی در دانش‌آموزان را پیش‌بینی کرد؟

### روش

#### شرکت‌کنندگان

جامعه آماری متشکل از کلیه دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر کرمانشاه بود که در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ مشغول به تحصیل بودند. انتخاب شرکت‌کنندگان به روش نمونه‌گیری تصادفی انجام گرفت. حجم گروه نمونه ۱۱۴ نفر و میانگین سنی دانش‌آموزان ۱۵/۳۳ بود. طرح پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی بوده که در آن به بررسی روابط بین متغیرهای پیش‌بین (پنج عامل شخصیت) و متغیر ملاک یعنی هوش اخلاقی پرداخته شده است.

#### ابزار

پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیتی *NEO-FFI*: پرسشنامه *NEO-FFI* فرم کوتاهی از پرسشنامه تجدیدنظر شده *NEO (NEO-PI-R)*، کاستا و مک‌گری، (۱۹۹۲) است که برای ارزیابی مختصر و سریع پنج عامل اصلی شخصیت طراحی شده است. این پرسشنامه دارای ۶۰ ماده است که پنج بعد شخصیت بهنجار را اندازه‌گیری می‌کند و شامل ۱۲ ماده برای هر یک از پنج بُعد است (کاستا و مک‌گری، ۱۹۹۲). خرده‌مقیاس‌های هر یک از پنج عامل عبارت‌اند از: ۱- عصبیت یا بی‌ثباتی هیجانی (N) ۲- برون‌گرایی (E) ۳- باز بودن به تجربه (O) ۴- توافق (A) و ۵- وجدانی بودن (C). ضریب آلفای گزارش شده پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیتی *NEO-FFI* توسط مک‌گری و کاستا بین ۰/۷۴ تا ۰/۸۹ با میانگین ۰/۸۱ متغیر بوده است. در تحقیقی که توسط بوچارد و همکاران در سال ۱۹۹۹ صورت گرفت، ضریب آلفا برای عصبیت ۰/۸۵، برون‌گرایی ۰/۷۲ تا ۰/۸۹، باز بودن به تجربه، ۰/۶۸، توافق ۰/۶۹ و برای وجدانی بودن ۰/۷۹ به دست آمده است که نشان‌دهنده همسانی درونی بالای پرسشنامه است (بوچارد و همکاران، ۱۹۹۹). ضریب همبستگی بین نمره‌های شاخص‌های *NEO-FFI* با *NEO-PI-R* در نمونه *ABLSA* به ترتیب ۰/۹۰، ۰/۹۱، ۰/۷۷ و ۰/۸۷ برای شاخص‌های *N*، *E*، *O*، *A*، *C* محاسبه شد. حق‌شناس (۱۳۸۵) ضریب اعتبار از طریق بازآزمایی را برای یک گروه نمونه ایرانی شامل ۲۰۸ دانشجو با سه ماه فاصله زمانی به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۷۹، ۰/۸۰، ۰/۷۵، ۰/۸۳ به ترتیب برای عصبیت، برون‌گرایی، باز بودن به تجربه، توافق و وجدانی بودن به دست آورد (ملازاده، ۱۳۸۷). درزمینه‌ی روایی همزمان این پرسشنامه، بین پرسشنامه ریخت‌مایرز بریگز، پرسشنامه شخصیتی مینه‌سوتا، پرسشنامه تجدیدنظر شده کالیفرنیا، بررسی مزاج گیلفورد و زاگرن، سیاهه یا فهرست رگه‌ها و مقیاس رگه بین فردی، رابطه بالایی مشاهده شده است. این یافته‌ها نشانگر روایی مناسب این پرسشنامه است (ابراهیمی، ۱۳۸۷). پرسشنامه هوش اخلاقی (*MCI*): توسط لنینک و کیل (۲۰۰۵) ساخته شده است. پرسشنامه از ۴۰ سؤال در طیف پنج‌درجه‌ای (هرگز، به‌ندرت، گاهی اوقات، اغلب و تمام اوقات) تشکیل شده است. مارتین و استین در سال (۲۰۱۰) اعتبار این مقیاس را ۰/۸۹۷ به دست آوردند. در پژوهش سیادت، مختاری پور و کاظمی (۱۳۸۸) اعتبار این آزمون روی اعضای هیئت‌علمی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۴ محاسبه شد. همچنین روایی صوری و محتوایی و همسانی درونی مؤلفه‌های آن توسط متخصصان مورد تأیید قرار گرفت. همچنین سیادت و همکاران (۱۳۸۸) گزارش دادند بیش‌ترین همبستگی درونی بین بخشش و دلسوزی با هوش اخلاقی (۰/۸۶) و کمترین همبستگی بین درستکاری با هوش اخلاقی (۰/۶۶) است. نتایج تحلیل عاملی مؤلفه‌های هوش اخلاقی نیز نشان داد که درستکاری، با بار عاملی (۰/۶۴)، مسؤلیت‌پذیری (۰/۸۱)، دلسوزی (۰/۸۴) و بخشش (۰/۸۳) دارای ۸۰ درصد اشتراک هستند که این عامل مشترک را می‌توان هوش اخلاقی نامید.

#### شیوه اجرا

به‌منظور رعایت ملاحظات اخلاقی تحقیق، قبل از توزیع پرسشنامه‌ها توضیحات مختصری در مورد پرسشنامه به شرکت‌کنندگان داده شد. در شروع کار با گفتن اینکه «تکمیل پرسشنامه صرفاً جنبه تحقیقاتی دارد و نتیجه آن هرچه که باشد، هیچ‌گونه تأثیری بر شما نخواهد داشت و پاسخ‌های شما محرمانه خواهد ماند» به شرکت‌کنندگان اطمینان خاطر داده شد. برای تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی، همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه همزمان استفاده شد.

## نتایج

جدول ۱ بیانگر آماره های توصیفی (میانگین و انحراف معیار) متغیرهای پژوهش در شرکت کنندگان است. نتایج نشان می‌دهد رابطه مثبت معنی داری بین هوش اخلاقی و باز بودن به تجربه ( $r = .47$  و  $p = .001$ )، توافق ( $r = .44$  و  $p = .001$ ) و وجدانی بودن ( $r = .39$  و  $p = .001$ ) وجود دارد. این رابطه برای خرده مقیاس بی ثباتی هیجانی منفی و معنی دار ( $r = -.373$  و  $p = .001$ ) بود. همچنین بین برونگرایی و هوش اخلاقی رابطه معنی دار به دست نیامد ( $r = .129$  و  $p = .245$ ).

جدول ۱

اطلاعات توصیفی متغیرهای پژوهش و ضریب همبستگی ساده بین ویژگی‌های شخصیتی و هوش اخلاقی

متغیر	M	SD	هوش اخلاقی
بی‌ثباتی هیجانی	۱۱/۱۱	۲۰/۳۰	-.۳۷۳
برون‌گرایی	۹/۲۹	۰۵/۶۵	.۱۲۹
باز بودن به تجربه	۱۱/۵۵	۰۵/۹۹	.۴۷۴
توافق	۹/۶۶	۳۰/۰۸	.۴۴۵
وجدانی بودن	۳۱/۲۸	۱۳/۲۹	.۳۹۰
هوش اخلاقی	۱۲۴/۶۰	۲۱/۴۱	-

به منظور تعیین تأثیر متغیرهای ویژگی‌های شخصیتی پنج‌گانه بر واریانس هوش اخلاقی خرده مقیاس‌های فوق‌وارید معادله رگرسیون شدند. نتایج نشان می‌دهد میزان  $F$  مشاهده شده معنادار است ( $F(4,110) = 13,207, p = .001, R^2 = .41$ ).

بر اساس نتایج جدول ۲ آماره‌های  $T$  نشان می‌دهد که ویژگی‌های شخصیتی می‌توانند تغییرات مربوط به هوش اخلاقی را پیش‌بینی کنند. به عبارت دیگر مقادیر  $Beta$  در متغیرهای ویژگی‌های شخصیتی ذکر شده بالا است و از طرفی سطح معنی داری نیز پایین است لذا این متغیرها قدرت بالایی را در پیش‌بینی متغیر ملاک یعنی هوش اخلاقی دارند.

جدول ۲

رگرسیون چند متغیری پیش‌بینی کننده‌های هوش اخلاقی

متغیر	B	SEB	Beta	T	P
بی‌ثباتی هیجانی	-.۴۰۳	.۱۱۷	-.۳۱۴	-۳/۴۵۱	.۰۰۱
باز بودن به تجربه	.۲۹۸	.۱۳۷	.۲۲۷	۲/۱۷	.۰۳۳
توافق	.۴۳۵	.۲۱۱	.۲۱۰	۲/۰۶۱	.۰۴۳
وجدانی بودن	.۲۰۶	.۰۹۷	.۲۲۰	۲/۱۱۰	.۰۳۸

## بحث

نتایج پژوهش حاضر نشان داد بین متغیرهای باز بودن به تجربه، توافق و وجدانی بودن با هوش اخلاقی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های صورت گرفته از سوی قهرمانی (۲۰۱۲)، ویلیام و جانسون (۲۰۰۵)، مولت و همکاران (۲۰۰۵) و نتو (۲۰۰۷) همسو می‌باشد. خانیکی و تبریزی (۱۳۸۸) نشان دادند نگرش اخلاقی افراد خانواده در روند زندگی موجب تسهیل روابط بین آنان می‌شود. دیگر یافته‌های حاکی از آن بود که بین بی‌ثباتی هیجانی و هوش اخلاقی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. این یافته نیز با یافته‌های حاصل از پژوهش مولت و همکاران (۲۰۰۵) همسو است.

در راستای تبیین این نتایج چنین به نظر می‌رسد که این متغیرها نقش تسهیل‌گری در راستای اخلاق دارند. به عنوان مثال وجدانی بودن گرایشی است برای نشان دادن خویشتن‌داری، عملکرد بر طبق وظیفه و حرکت بسوی موفقیت. باز بودن به تجربه نیز از جمله ویژگی‌های شخصیتی است که افراد واقع بین و خیال پرداز را از هم متمایز می‌کند. از طرفی در ویژگی بی‌ثباتی هیجانی افراد گرایش به سوی تجربه احساسات منفی همچون خشم، اضطراب یا افسردگی دارند، که گاهی اوقات ناستواری احساسات نیز نامیده می‌شود. افرادی که در این ویژگی نمره‌ی بالا می‌آورند از نظر احساس، واکنشی هستند و آمادگی استرس بالایی دارند و اغلب دوست دارند موقعیت‌های عادی را تهدید کنند، تعبیر کنند و دردهای کوچک را سخت و غیرقابل حل ببینند. عکس‌العمل‌های احساسی منفی آنها تا مدت‌های طولانی ادامه پیدا می‌کند؛ بدین معنی که اغلب با احساس بد به سر می‌برند. این مشکلات آنها را در مسیر تفکر صحیح، تصمیم‌گیری و غلبه بر استرس، دچار دردسر می‌کند، این در حالی است که افراد با هوش اخلاقی در روابط بین فردی با ثبات بهتری تعامل دارند.

کنترل برخی متغیرهای مداخله‌گر مانند شغل وضعیت اقتصادی خانواده، تحصیلات والدین می‌تواند در پژوهش‌های بعدی مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد. در تحقیق حاضر هوش شناختی دانش آموزان به عنوان مولفه‌ی مهم کنترل نشد. پیشنهاد می‌شود رابطه هوش اخلاقی با متغیرهای دیگر تحصیلی - خانوادگی و دانش آموزان مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

- پارسونز، ر.، هینوسون، ا. و ساردو براون، د. (۲۰۰۷). *روانشناسی پرورشی*. حسن اسدزاده و حسین اسکندری (۱۳۸۶). تهران: انتشارات معاصر.
- سیادت، س. ع.، مختاری پور، م. و کاظمی، ا. (۱۳۸۸). رابطه‌ی بین هوش اخلاقی و رهبری تیمی در مدیران آموزشی و غیر آموزشی از دیدگاه اعضای هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. *فصلنامه مدیریت سلامت*. ۱۲ (۳۶).
- ملازاده، ج. (۱۳۸۱). بررسی رابطه بین عوامل شخصیت و سبک‌های مقابله‌ای با سازگاری زناشویی در فرزندان شاهد. رساله دکتری روانشناسی منتشر نشده. دانشگاه تربیت مدرس.
- Borba, M. (2005). The step-by-step plan to building moral intelligence. Retrieved at <http://www.parentingbookmark.com/pages/7virtues.Htm>.
- Bouchard, N. & Mc, Gue, M. (1999). Genetic and environmental influences on human psychological differences. *Journal of Neurobiology*, 54, 4- 45.
- Clarcken, R. H. (2009). Moral Intelligence in the Schools. *School of Education, Northern*.
- Ghahramani, J. ( 2012). Investigating the teachers' job morality in threefold educational sections in Eastern Azerbaijan to suggest a model. *Speculative quarterly periodical of educational management*, 3(2), 71- 92.
- Lennick, D. & Kiel, F. (2005). Moral intelligence: The key to enhancing business performance and leadership success, Wharton School Publishing, An imprint of Pearson Education.
- Mullet, E., Barros, J., Frongia, L., Usai, V. & Shafighi, S. (2003). Religious involvement and the forgiving personality. *Journal of Personality*, 71, 1-19.
- Neto, F. (2007). Forgiveness, personality and gratitude. *Personality and Individual Differences*, 43, 2313- 2323.